

پیش‌بینی عزت نفس نوجوانان براساس رابطه والد-فرزند، نیازهای بنیادین روان شناختی و خودپنداره

الهام امامی میبدی^۱

بتول احدی^۲

اعظم فرح بیجاری^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی عزت نفس نوجوانان براساس رابطه والد-فرزند، نیازهای بنیادین روان شناختی و خودپنداره انجام شد. روش پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی دانش آموزان دوره دوم متوسطه دبیرستان‌های شهرستان میبد در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ تشکیل دادند که از بین جامعه هدف تعداد ۴۶۱ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان حجم نمونه انتخاب و به صورت مجازی در پژوهش شرکت کردند. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌های عزت نفس کوپراسمیت (۱۹۶۷)، رابطه والد-فرزند فاین و همکاران (۱۹۸۳)، نیازهای بنیادین روانشناختی (۲۰۰۰) و خودپنداره راجرز (۱۹۳۸) جمع‌آوری و در نهایت داده‌های ۳۹۸ شرکت‌کننده که قابلیت تحلیل داشت به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه و با کمک نرم افزار SPSS25 تحلیل شد. یافته‌ها حاکی از این بود که ارتباط والد-فرزند، نیازهای بنیادین روان‌شناختی و خودپنداره به صورت معنادار عزت نفس را در نوجوانان پیش-بینی می‌کند. براساس نتایج حاصل می‌توان نتیجه گرفت به منظور بهبود عزت نفس نوجوانان، توجه به رابطه والد فرزند، ارضای نیازهای بنیادین و خودپنداره نوجوانان ضروری است.

واژه‌گان کلیدی: خودپنداره، رابطه والد-فرزند، عزت نفس، نیازهای بنیادین روانشناختی، نوجوان.

۱- کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، گروه روان شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. emamimeybodi@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۲- دانشیار گروه روان شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

۳- استادیار گروه روان شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

مقدمه

نوجوانی^۱ دوره‌گذاری است که طی آن استقلال در تصمیم‌گیری رشد می‌کند، روابط با همسالان عمیق‌تر می‌شود و نوجوان در پی مشغله‌های فکری و تعلقات اجتماعی بر می‌آید. نوجوانی را می‌توان دوره‌کاوش و انتخاب دانست (سادوک، سادوک و روییژ^۲، ۲۰۱۵؛ ترجمه فرزین رضاعی، ۱۳۹۸). سازمان بهداشت جهانی (۱۹۶۵) اعلام کرد که نوجوانی از سنین ۱۰ تا ۲۰ سالگی با علائم بلوغ آغاز می‌شود و خاطر نشان کرد که برای این مرحله از زندگی کمتر نقطه پایانی تعریف شده است. این تعاریف می‌توانند تحت تاثیر فرهنگ و بافت اجتماعی تغییر کنند (ساویر^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). از مولفه‌های مهم رشد در دوره‌ی نوجوانی عزت نفس^۴ است زیرا برخی مطالعات یک رابطه معکوس بین عزت نفس و مصرف مواد، رفتار خودکشی و رفتار خطر جنسی و دیگر رفتارهای پرخطر نوجوانان و جوانان را نشان دادند (سلمانی و علی نژادیان، ۱۳۹۸؛ یانگ^۵، ۲۰۱۳؛ به نقل از ابراهیمی ثانی و همکاران، ۱۳۹۳). از این جهت میزان و کیفیت عزت نفس در این دوره (نوجوانی) قابل توجه است. به عقیده‌ی کوپر اسمیت^۶ (۱۹۶۷) عزت نفس به منزله تایید یا عدم تایید خود است و این معیار نشان می‌دهد فرد تا چه اندازه خود را توانا، ارزنده و با اهمیت می‌داند (دره التاج تهرانی، ۱۳۹۲). مهم‌ترین منشأ شکل گرفتن عزت نفس در افراد را رفتار و واکنش دیگران نسبت به خود به خصوص در دوران کودکی می‌دانند. شاملو این رابطه را «آینه خود نما»^۷ می‌نامد. آینه ای که تصویری که فرد از خود دارد توسط واکنش‌ها و رفتارهای دیگران نسبت به خود شکل می‌گیرد (سعدی‌پور، ۱۳۹۰). در دیدگاه جدید افراد بدون برآورده کردن ضرورت‌های ارزش تعیین شده توسط فرهنگی که به آن متعهد هستند، نمی‌توانند احساس ارزشمندی و عزت نفس کنند. ارزشمند بودن به معنای زیستن مطابق ملاک‌های فرهنگی مشترک است. در حقیقت ایفای نقش مناسب

^۱ -Adolescence

^۲ - Sadock, Sadock & Ruiz

^۳ - Sawyer

^۴ - Self-Esteem

^۵ - Young

^۶ - Cooper Smith

^۷ - looking glass-self

در اجتماع موجب می‌شود فرد احساس عزت نفس کند و همچنین، این که فرد در جامعه با ارزش است (بامیستر^۱، ۱۹۸۶؛ به نقل از شکری، ۱۳۹۸). عزت نفس تنها یک احساس محض نیست بلکه چیزی فراتر از احساس است و از ابعاد هیجانی، ارزشیابی و شناختی تشکیل شده است که اساس شکل‌گیری شخصیت، رفتار و حتی موقعیت و شرایط افراد معرفی شده و بر تمام سطوح زندگی فرد تاثیر می‌گذارد. علاوه بر این عزت نفس به شیوه عملکردی خاصی گرایش دارد: آگاهی و حرکت به سوی زندگی به جای فرار از آن، درک واقعیت به جای انکار آن و مسئولیت‌پذیری در زندگی به جای مسئولیت‌گریزی (ایمانیان، ۱۳۹۵). با این توصیف عزت نفس فرد منوط به احساس ارزشمندی، شایستگی و قابل بودن است که فرد نسبت به خود دارد، نیازی روانشناختی که غیر قابل چشم‌پوشی است یکی از رایج‌ترین نظریه‌هایی که سعی در تبیین این نیازها و ویژگی‌های روانشناختی دارد. نظریه خودتعیین‌گری است که نشان می‌دهد که سه نیاز بنیادین خودمختاری^۲، شایستگی^۳ و تعلق^۴، برای رسیدن به رشد اجتماعی و بهزیستی افراد ضروری هستند (امت^۵، ۲۰۱۵) تا جایی که براساس پژوهش‌های اخیر، یافته‌ها از نقش ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در رشد و تقویت عزت نفس افراد حمایت کردند (امت، ۲۰۱۵؛ دسی^۶ و همکاران، ۲۰۰۱؛ صالحی، ۱۳۹۶؛ سپهریان و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین مشخص شد که توجه به این نیازها و ارضای آن‌ها موجب افزایش مولفه‌های مهم روان-شناختی از جمله عزت نفس، خودکارآمدی و جهت‌گیری مثبت در زندگی نوجوانان می‌شود (ساداتی فیروزآبادی و ملتفت، ۱۳۹۶؛ صالحی، ۱۳۹۶) و اینکه یک فرد چه در تجربه‌های دوران کودکی و چه در سایر مراحل رشدی چه نگاه و احساسی نسبت به خود دارد، متاثر از وجود رابطه‌ی والد - فرزند^۷ و کیفیت این رابطه است که نگرش فرد را نسبت به خود شکل می‌دهد (یاراتان، یوکسویلو^۸، ۲۰۱۰، حسین خانزاده و میرزایی، ۱۳۹۶). تحلیل‌های نظری و

1- Bamister

2- Autonomy

3- Competence

4- relatedness

5- Umet

6- Deci

7- Parent-child Relationship

8- Yaratan& Yucesoylu

تجربی نشان دادند ارتباط موثر و مطلوب والد فرزندى سبب رشد سالم فرزندان در تمام ابعاد مى شود، زیرا پدر و مادر در دوران كودكى به عنوان مهم‌ترین و قابل اعتمادترین و پایدارترین منابع او به حساب مى آیند و زمینه ارتباط موثر والدین و فرزندان در دیگر مراحل از جمله نوجوانی از این طریق فراهم مى شود. در دوران نوجوانی رابطه والد-فرزندى به عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر شناخته مى شود (لیم^۱، ۲۰۲۰) که خود از عوامل مختلفی چون دلبستگی به عنوان شروع و مبنای زیستی رابطه ی والد فرزندى (کرین^۲؛ ترجمه خوی نژاد و رجایی، ۱۳۹۴)، همدلی به عنوان لازمه ی درک فرزند از سوى والدین (به خصوص در رفتار غیرکلامی)، ابراز عواطف مثبت به ویژه به صورت غیر مشروط و تداوم این توجه (شکرکن، نفیسی، برادران رفیعی و ماهر، ۱۳۹۹) ارتباط غیرکلامی؛ زیرا کودکان هنوز پیچیدگی‌ها و رموز ارتباط کلامی را به خوبی نمی دانند (نوابی نژاد، ۱۳۹۶) و پذیرش غیرمشروط است که در صورت وجود این عوامل، سبب ارتباط موثر و مطلوب والد فرزندى و رشد سالم فرزندان در تمام ابعاد مى شود. این رابطه بر عزت نفس و روابط بین فردی نوجوانان اثر مى گذارد (سادوونیکوا^۳، ۲۰۱۶). در زمینه ی ارتباط والد فرزندى الگوی رفتاری پدر و مادر با کودک در سه الگوی مقتدرانه، سهل گیرانه و مستبدانه وجود دارد که در این میان سبک والدگری مقتدرانه باعث افزایش شایستگی، احساس کفایت و سلامت روان مى شود (مهری نژاد، ۱۳۹۸) که مى تواند در پیش بینی عزت نفس فرزند در سنین نوجوانی نقش موثری داشته باشد، در دهه گذشته محققین از فرضیه های سستی مبنی بر اینکه نوجوانی دوره انتقالی است که در آن دلبستگی و تعامل بین همسالان بیشتر از والدین است فاصله گرفته اند (لیم، ۲۰۲۰) و این مبین اهمیت نقش والدین به ویژه نحوه تعامل و ارتباط آن ها با نوجوانان در این دوره از زندگی است. در پژوهش فوسکو، استورم شاک، دیژون و وینتر^۴ (۲۰۱۲)، مشخص شد کیفیت رابطه پدر-فرزند با کاهش رفتارهای ضداجتماعی در اوایل دوران نوجوانی همراه است در حالیکه رابطه مادر-فرزند با کاهش رفتارهای ضداجتماعی ارتباطی ندارد. علاوه بر این ساکال، ازدمیر و

1- Lim

2- Crain

3- Sadovnikova

4- Fosco, Stormshak, Dishion & Winter

کروکلو^۱ (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان دادند بین عزت نفس و رابطه پدر-دختر ارتباط معناداری وجود دارد و رابطه پدر-دختر عزت نفس دختران نوجوان را پیش‌بینی می‌کند. سان^۲ و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی دریافتند که نوجوانانی که روابط نامطلوب تری را با والدین خود تجربه می‌کنند، نیازهای بنیادین روان شناختی آنها کمتر ارضا می‌شود در نتیجه تمایل بیشتری به استفاده از تلفن همراه دارند. در پژوهشی دیگر طهیر^۳ و همکاران (۲۰۱۵)، به این نتیجه رسیدند که بین حمایت‌های اجتماعی مثل (حمایت والدین و رابطه گرم و صمیمی با آنها و حمایت دوستان) و عزت نفس رابطه معناداری وجود دارد هم چنین رابطه عزت نفس با حمایت خانواده قوی تر از رابطه بین حمایت دوستان و عزت نفس است. مطالعه‌ی اعتصامی پور، باقری و زارع بهرام آبادی (۱۳۹۹)، نشان داد که خرده‌مقیاس مقبولیت در الگوی ارتباط پدر و خرده‌مقیاس مقبولیت و درهم‌تنیدگی در الگوی ارتباط مادر بر عزت نفس معنادار است. همچنین خرده‌مقیاس عزت نفس اجتماعی نیز بر مهارت‌های ارتباطی دانشجویان تأثیر معنادار داشت. بنا براین به نظر می‌رسد پژوهش در زمینه شناسایی عوامل پیش‌بینی کننده عزت نفس نوجوانان با توجه به چالش‌ها و نیازهای ویژه این دوره از زندگی اهمیت و ضرورت دارد. چرا که آگاهی نسبت به این مولفه‌ها زمینه را برای تقویت عزت نفس، سلامت روان، سازگاری و موفقیت نوجوانان در مراحل بعدی زندگی فراهم می‌کند. نیازهای بنیادین روان شناختی نیز به عنوان مواد مغذی روانشناختی که برای سازگاری، یکپارچگی و رشد افراد ضروری هستند تعریف می‌شوند (ونستین کیست، ریان، سوینس^۴، ۲۰۲۰) که اهمیت تامین این نیازها در سنین نوجوانی به عنوان دوره‌ی حساس رشدی که افزایش تمایل مبادرت به رفتارهای پر ریسک را در پی دارد بسیار قابل توجه است. با توجه به اهمیت عوامل ذکر شده در پیش‌بینی عزت نفس نوجوانان، ارتباط این مفاهیم با یکدیگر و نقش عزت نفس بر سلامت روان؛ دستیابی به مدل ارتباطی این مفاهیم با عزت نفس مسئله‌ای حائز اهمیت برای این تحقیق است.

1- Sagkal, ozdemir & koruklu

2- Sun et al

3- Tahir

4 - Vansteen kiste, Ryan & soens

با توجه به این که از بین دوره‌های مختلف زندگی انسان، دوران نوجوانی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل زندگی هر فرد به شمار می‌رود (کاظمی و قمری، ۱۴۰۰)، و با توجه به اهمیت عوامل ذکر شده در پیش‌بینی عزت نفس نوجوانان، ارتباط این مفاهیم با یکدیگر و نقش عزت نفس بر سلامت روان دستیابی به مدل ارتباطی این مفاهیم با عزت نفس مسئله‌ای حائز اهمیت برای این تحقیق است. هدف اصلی این پژوهش پیش‌بینی عزت نفس نوجوانان براساس رابطه والد-فرزند، نیازهای بنیادین روانشناختی و خودپنداره است.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه دبیرستان‌های شهرستان میبد در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ تشکیل دادند که از بین جامعه آماری، حجم نمونه ۴۰۰ نفری برای پژوهش در نظر گرفته شد که با احتمال ریزش تعداد ۴۶۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردید اما به علت تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها در نهایت نتایج ۳۹۸ نفر که قابلیت تحلیل داشت مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به شرایط کرونا و محدودیت‌ها در رفت آمد، عدم حضور منظم دانش‌آموزان در کلاس‌ها و مدارس، همچنین تعطیلی مدارس نمونه مورد نظر براساس سهولت در دسترس انتخاب گردید. ملاک‌های ورود شامل در حال تحصیل بودن آزمودنی‌ها در دوره دوم متوسطه و قرار داشتن آن‌ها در رده سنی ۱۵ تا ۱۸ سال بود. ملاک‌های خروج از پژوهش شامل عدم رضایت آزمودنی‌ها برای شرکت در پژوهش، تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها توسط آزمودنی‌ها و قرار نداشتن آنها در بازه سنی مورد نظر بود. روش کار در ابتدا به این صورت بود که پس از اخذ نامه از دانشگاه الزهرا و ارسال آن به اداره آموزش و پرورش شهرستان میبد و کسب مجوز از اداره مربوطه لینک پرسشنامه‌های پژوهش که به صورت آنلاین طراحی شده بودند (گوگل فرم) برای دانش‌آموزان دختر و پسر دوره دوم دبیرستان‌های میبد ارسال گردید، در مرحله بعد آزمودنی‌ها با آگاهی از محرمانه بودن پاسخ‌ها و داوطلبانه بودن پژوهش در صورت تمایل به سوالات پرسشنامه‌ها پاسخ دادند و در نهایت پس از حذف موارد ناقص، پرسشنامه‌های کامل جمع‌آوری و به منظور تحلیل وارد نرم افزار آماری SPSS 25 شد.

ابزار پژوهش

جهت اجرای پژوهش از چهار پرسشنامه استاندارد شده و همچنین یک پرسشنامه به منظور سنجش مشخصات جمعیت شناختی آزمودنی‌ها شامل جنسیت، پایه تحصیلی، سن آزمودنی‌ها، تحصیلات پدر و مادر و شهر محل سکونت آزمودنی‌ها استفاده گردید.

سیاهه عزت نفس کوپر اسمیت^۱: این سیاهه توسط کوپر اسمیت (۱۹۶۷) بر اساس تجدید نظر انجام شده بر روی مقیاس راجرز و دیموند^۲ (۱۹۵۴) تهیه شده است. این ابزار دارای ۵۸ ماده می‌باشد که ۸ ماده آن دروغ‌سنج و ۵۰ ماده دیگر عزت نفس فرد را می‌سنجد و پاسخ‌ها به صورت بلی و خیر هستند (مهری‌نژاد، صدری، رمضان ساعتچی و غفاری، ۱۳۹۸). چنانچه آزمودنی از ۸ ماده دروغ‌سنج بیشتر از ۴ نمره کسب کند نشان دهنده اعتبار پایین آن آزمون است و آزمودنی سعی در بهتر جلوه دادن خود داشته است (یارمحمدیان، ۱۳۸۵). این ابزار عزت نفس کودکان و نوجوانان را در چهار بعد عزت نفس اجتماعی (همسالان) با ۸ ماده، عزت نفس تحصیلی (مدرسه) با ۸ ماده، عزت نفس خانوادگی با ۸ ماده و عزت نفس عمومی (خود) با ۲۶ ماده می‌سنجد که علاوه بر این ۴ خرده مقیاس یک نمره کلی نیز برای فرد به دست می‌آید (کشاورزافشار، هدهدی و علی‌نژاد، ۱۳۹۸). حداکثر نمره در مقیاس عمومی برابر ۲۶ و در هر یک از مقیاس‌های دیگر ۸ می‌باشد همچنین حداکثر نمره کلی عزت نفس ۵۰ است (فتحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۹۵). کوپر اسمیت (۱۹۹۰) در پژوهش خود ضریب همسانی درونی ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ و ضریب بازآزمایی بعد از پنج هفته ۰/۸۸ و بعد از سه سال ۰/۷۰ گزارش کرده است. (فتحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۹۵). هرز و گولن^۳ (۱۹۹۱) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ را برای نمره کلی این آزمون گزارش کرده‌اند، همچنین ادموندسون و همکاران^۴ (۲۰۰۶) ضریب همسانی درونی ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ را برای این مقیاس گزارش کرده‌اند (فتحی آشتیانی، داستانی، ۱۳۹۵). در مطالعه شکرشکن و وینی (۱۳۷۳)، ضریب اعتبار برای پسران ۰/۶۹ و برای دختران

۱ - Cooper Smith Self-esteem Inventory

۲ - Rogers & Dymond

۳ - Herz & Gullone

۴ - Edmondson et al

۰/۷۱ گزارش شد همچنین ضرایب پایانی در این پژوهش برای پسران و دختران به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۲ بوده است (صفرزاده و مرعشیان، ۱۳۹۳). پورشافعی (۱۳۷۰)، با روش دو نیم کردن ضریب پایانی را ۰/۸۷ و با روش بازآزمایی این آزمون با فاصله ۱۴ هفته و ۱۲ روز ضریب ۰/۷۷ و ۰/۸۰ را برای این آزمون گزارش شده کرده است (فتیحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۷ به دست آمد.

مقیاس رابطه والد-فرزند^۱: این مقیاس توسط فاین، مورلند و شوبل (۱۹۸۳) تدوین شد که برای سنجش کیفیت ارتباط والد-فرزند به کار می‌رود و نظر نوجوانان را درباره رابطه آن‌ها با والدینشان می‌سنجد. این مقیاس دارای دو فرم ۲۴ ماده‌ای است که یک فرم آن برای سنجش رابطه با پدر و یک فرم دیگر برای سنجش رابطه با مادر به کار می‌رود. نمره‌گذاری این مقیاس به صورت طیف ۷ درجه ای لیکرت (۱ = هیچ، ۷ = خیلی زیاد) می‌باشد و نمره بالاتر در این مقیاس کیفیت رابطه بهتر والد-فرزند را نشان می‌دهد و نمره کل، مجموع میانگین خرده مقیاس‌ها است (مهربان، کرمی، اسدزاده و ستوده اصل، ۱۳۹۸). فاین و همکاران ضرایب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه را برای نسخه پدر ۰/۹۶ و برای نسخه مادر ۰/۹۴ گزارش کرده‌اند که اعتبار بالایی این ابزار را نشان می‌دهد. (شیرودآقایی، امیرفخرایی و زارعی، ۱۳۹۹). در پژوهش مهربان و همکاران (۱۳۹۸) ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس مربوط به پدر ۰/۸۳ تا ۰/۹۶ و برای خرده مقیاس مادر ۰/۶۷ تا ۰/۹۶ و ضریب آلفای کلی والدین ۰/۸۷ به دست آمده است. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های مربوط به پدر ۰/۷۷ تا ۰/۸۶ و برای خرده مقیاس‌های مادر ۰/۶۳ تا ۰/۸۹ به دست آمد.

مقیاس نیازهای بنیادین روان شناختی^۲: این مقیاس توسط گاردیا، ریان و دسی (۲۰۰۰) تدوین گردیده است و میزان احساس حمایت و ارضای سه نیاز اساسی خودمختاری، شایستگی و تعلق یا ارتباط را می‌سنجد همچنین این مقیاس دارای ۲۱ سوال می‌باشد که براساس طیف ۷ درجه‌ای لیکرت (از نمره ۱ کاملاً غلط است تا نمره ۷ کاملاً درست است) نمره‌گذاری می‌شود (عمارلو و شاره، ۱۳۹۷؛ بشارت و رنجبر کلاگری، ۱۳۹۲). حداقل امتیاز در

^۱ - Parent-child Relationship Scale

^۲ - Basic Psychological Need Scale

این مقیاس ۲۱ و حداکثر ۱۴۷ است اگر نمره فرد بین ۲۱ تا ۴۲ باشد نشان دهنده این است که نیازهای بنیادین روان‌شناختی او کم ارضا شده‌است همچنین نمره بین ۴۲ تا ۱۰۵ نشان‌دهنده نیازهای بنیادین روان‌شناختی متوسط و نمرات بالاتر از ۱۰۵ نشان‌دهنده ارضای بالای این نیازهاست (دسی و همکاران، ۲۰۰۰؛ به نقل از عمارلو و شاره، ۱۳۹۷). در مطالعه گاردیا و همکاران (۲۰۰۰) ضرایب پایانی این آزمون با اجرای بر روی پدر، مادر، دوستان و شریک عشقی به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۹۱، ۰/۹۱، ۰/۹۱ گزارش شد (پتگم و همکاران^۱ ۲۰۱۲؛ به نقل از قربانی سفیده خوان و حسین ثابت، ۱۳۹۵). ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در پژوهش‌های جانستون و فینی^۲ ۲۰۱۰، کشدان و همکاران^۳، ۲۰۰۹؛ نیمیک و همکاران^۴ ۲۰۰۹، مورد تایید قرار گرفته است (بشارت و رنجبر کلاگری، ۱۳۹۲). در پژوه بشارت و رنجبر کلاگری (۱۳۹۲)، همسانی درونی این آزمون برحسب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ به دست آمد و پایانی بازآزمایی این آزمون ۰/۶۷ تا ۰/۷۷ برای زیر مقیاس‌های مختلف آن گزارش شد. در پژوهش عمارلو و شاره (۱۳۹۷)، نیز ضریب آلفای کرونباخ برای بعد شایستگی خودمختاری و ارتباط یا تعلق به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۰، ۰/۸۷ گزارش شده‌است. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای بعد شایستگی، خودمختاری و ارتباط یا تعلق به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۲، ۰/۶۲ به دست آمد.

مقیاس خودپنداره^۵: این مقیاس توسط راجرز در سال ۱۹۵۷ - ۱۹۳۸ به منظور سنجش میزان خودپنداره افراد تدوین شد. این ابزار دارای دو فرم الف و ب می‌باشد که (فرم الف) خودپنداره واقعی و (فرم ب) خودپنداره آرمانی یا ایده‌آل را مورد سنجش قرار می‌دهد (رئیسون و همکاران، ۱۳۹۳). این آزمون دارای ۲۵ جفت صفت متضاد است که به صورت متضاد و در مقابل هم قرار گرفته‌اند و فاصله بین دو صفت با طیف ۷ درجه‌ای لیکرت از نمرات ۱ تا ۷ مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (سلامی محمدآبادی، ۱۳۸۹). با توجه به اینکه پرسشنامه دارای ۲۵ سوال است آنها را به توان ۲ رسانده و بعد با هم جمع می‌شوند، سپس از

^۱ - Petegem et al

^۲ - Johnston & Finney

^۳ - Kashdan et al

^۴ - Neimiec et al

^۵-Self-Concept Scale

آنها جذر گرفته می‌شود تا نمره فرد در آزمون به دست آید. اگر نمره به دست آمده بین ۰ تا ۷ باشد فرد خودپنداره مثبت و نرمالی دارد و اگر نمره به دست آمده بین ۷ تا ۱۰ باشد خودپنداره فرد متوسط است و نمره خام ۱۰ به بالا خودپنداره منفی را نشان می‌دهد (فرح بیجاری، پیوسته‌گر و ظریف جلالی، ۱۳۹۲). در پژوهش موسوی (۱۳۷۸) ضریب پایانی این آزمون به روش دو نیم کردن ۰/۸۰ به دست آمد و روایی محتوایی آن توسط اساتید و مشاوران مورد تایید قرار گرفته است (علیزاده، نصیری و کرمی، ۱۳۸۹). در پژوهش نوربخش و حسن پور (۱۳۸۳) پایایی به روش آزمون بازآزمون برابر با ۰/۸۳ و به روش آلفای کرونباخ و دو نیم کردن ۰/۷۴ و ۰/۶۵ محاسبه شد (تمنایی‌فر، صدیقی ارفعی و سلامی محمد آبادی، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۸ به دست آمد.

یافته ها

در این پژوهش ۳۹۸ دانش آموز مقطع متوسطه دوم شرکت کردند که ۱۹۱ نفر (۴۸ درصد) از آنان دختر و ۲۰۷ نفر (۵۲ درصد) دیگر پسر بودند. میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت کنندگان به ترتیب ۱۶/۰۱ و ۰/۹۵ سال بود و ۱۷۲ نفر (۴۳/۲ درصد) از آنان در پایه دهم، ۱۲۳ نفر (۳۰/۹ درصد) در پایه یازدهم و ۱۰۳ نفر (۲۵/۹ درصد) در پایه دوازدهم مشغول به تحصیل بودند.

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. در این پژوهش به منظور ارزیابی مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌ها مقادیر کشیدگی و چولگی مورد بررسی قرار گرفت و همچنان که جدول ۱ نشان می‌دهد مقادیر مزبور برای همه متغیرها در محدوده ۲+ و ۲- قرار دارد. بنابراین می‌توان گفت توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش نرمال بود.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشی‌دگی
نیازهای بنیادین - خودمختاری	۳۲/۷۹	۷/۱۹	-۰/۳۵	-۰/۱۳
نیازهای بنیادین - شایستگی	۲۹/۵۵	۷/۰۱	-۰/۲۳	-۰/۴۸
نیازهای بنیادین - ارتباط	۳۸/۰۹	۷/۱۶	-۰/۱۲	-۰/۰۶
ارتباط پدر-فرزند	۷۳/۴۴	۲۱/۶۰	-۰/۲۲	-۰/۱۱
ارتباط مادر-فرزند	۸۷/۱۴	۲۸/۶۵	-۰/۸۰	-۰/۵۵
خودپنداره	۸/۵۲	۴/۸۰	۰/۷۱	-۰/۱۳
عزت نفس	۳۲/۵۹	۱۰/۹۱	-۰/۵۸	-۰/۷۱

در ادامه جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش شامل مؤلفه های نیازهای بنیادین روان شناختی، ارتباط پدر/فرزند، ارتباط مادر/فرزند، خودپنداره و عزت نفس را نشان می دهد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. نیازهای بنیادین - خودمختاری	-						
۲. نیازهای بنیادین - شایستگی	۰/۶۴۱**	-					
۳. نیازهای بنیادین - ارتباط	۰/۵۲۴**	۰/۵۹۸**	-				
۴. ارتباط پدر-فرزند	۰/۳۴**	۰/۵۳۷**	۰/۳۳۵**	-			
۵. ارتباط مادر-فرزند	۰/۲۰۵**	۰/۳۳۶**	۰/۱۷۲**	۰/۵۶۸**	-		
۶. خودپنداره	-۰/۴۸۶**	-۰/۶۳۱**	-۰/۴۴۱**	-۰/۵۹۱**	-۰/۴۵**	-	
۷. عزت نفس	۰/۶۰۴**	۰/۶۸۴**	۰/۵۳۷**	۰/۶۰۹**	۰/۴۴۹**	۰/۷۶۶**	-

ضرایب همبستگی بین متغیرها در جهت مورد انتظار و همسو با پیشینه پژوهش بود. به طوری که همه مؤلفه نیازهای بنیادین و ارتباط والد/فرزند به صورت مثبت و متغیر خودپنداره به صورت منفی و در سطح معناداری ۰/۰۱ با مؤلفه های عزت نفس همبسته بودند. گفتنی است که در پرسشنامه به کار گرفته شده برای سنجش متغیر خودپنداره، نمرات بالا نشانگر خودپنداره پایین است. بنابراین جهت همبستگی بین خودپنداره و دیگر متغیرها منطقی و معقول است.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی عزت نفس نوجوانان براساس رابطه والد-فرزند

متغیرهای پیش‌بین	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		t	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	Beta	خطای استاندارد		
ثابت	۱۰/۷۸۴	۱/۵۱۵			۷/۱۲۰	۰/۰۰۰
رابطه پدر-فرزند	-۰/۲۶۴	۰/۰۲۴	-۰/۵۲۲	۰/۰۲۴	۱۰/۹۰۹	۰/۰۰۰
رابطه مادر-فرزند	-۰/۰۵۹	۰/۰۱۸	-۰/۱۵۳	۰/۰۱۸	۳/۱۹۳	۰/۰۰۰

۰/۰۰۱=سطح معنی داری $F=۱۲۴/۴۹۵$ $R^2=۰/۳۸۴$ تعدیل شده $R^2=۰/۳۸۷$ $R=۰/۶۲۲$

براساس جدول ۳، نتایج بیانگر آن است که از متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون، رابطه مادر- فرزند و رابطه پدر- فرزند با عزت نفس نوجوانان، رابطه معناداری در معادله نشان دادند که نشان می‌دهد این متغیرها توانسته در مجموع ۳/۸ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر عزت نفس نوجوانان تبیین نمایند ($P<0/01$)

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی عزت نفس نوجوانان براساس نیازهای بنیادین روان شناختی

متغیرهای پیش‌بین	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		t	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	Beta	خطای استاندارد		
ثابت	-۸/۲۷۴	۲/۱۹۶			-۳/۷۶۸	۰/۰۰۰
خودمختاری	۰/۳۷۴	۰/۰۷۰	۰/۲۴۶	۰/۳۰۸	۵/۳۰۸	۰/۰۰۰
شایستگی	۰/۶۸۳	۰/۰۷۷	۰/۴۳۹	۸/۹۰۱	۸/۹۰۱	۰/۰۰۰
ارتباط	۰/۲۲۱	۰/۰۶۸	۰/۱۴۵	۳/۲۷۴	۳/۲۷۴	۰/۰۰۱

بر اساس جدول ۴، نتایج بیانگر آن است که از متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون، هر سه نیاز خودمختاری، شایستگی و ارتباط با عزت نفس نوجوانان، رابطه معناداری در معادله نشان دادند که نشان می‌دهد این متغیرها توانسته در مجموع ۵/۲ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر عزت نفس نوجوانان تبیین نمایند ($P<0/01$)

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی عزت نفس نوجوانان براساس خودپنداره

متغیرهای پیش‌بین	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		t	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	Beta	خطای استاندارد		
ثابت	۱۱/۵۹۳	۲/۸۱۰			۴/۱۲۶	۰/۰۰۰
خودپنداره	-۰/۰۶۱	۰/۰۲۳	-۰/۱۵۲	-۲/۶۳۸	-۲/۶۳۸	۰/۰۰۹

براساس جدول ۵، نتایج بیانگر آن است که متغیر خودپنداره با عزت نفس نوجوانان، رابطه معناداری در معادله نشان داد که نشان می‌دهد این متغیر توانسته در مجموع ۵/۸ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر عزت نفس نوجوانان تبیین نماید ($P<0/01$).

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی عزت نفس نوجوانان براساس رابطه والد-فرزند، نیازهای بنیادین روان شناختی و خودپنداره انجام شد. براساس یافته اول پژوهش، ارتباط والد- فرزند به صورت مثبت و معنادار عزت نفس را در نوجوانان پیش‌بینی می‌کند. این یافته با پژوهش‌های ساکال و همکاران (۲۰۱۸)، سادونیکووا (۲۰۱۶)، جانسون و گالامبوس (۲۰۱۴)، اعتصامی‌پور و همکاران (۱۳۹۹)، عباس‌پور و همکاران (۱۳۹۸)، سپهریان آذر و همکاران (۱۳۹۲)، فرشاد و همکاران (۱۳۹۴)، میرزایی کوتنائی (۱۳۹۴)، دره‌التاج تهرانی (۱۳۹۲) همسو است.

در راستای تبیین این یافته‌ها این چنین می‌توان اظهار نمود، رابطه والد-فرزند پیش‌بینی کننده عزت نفس نوجوانان است با توجه با مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین می‌توان این گونه استدلال نمود که در دوران نوجوانی ارتباط والد-فرزند همچنان یکی از مهم‌ترین عوامل در رشد روانی و عاملی موثر در روابط بین فردی و رشد جنبه‌های مختلف شخصیت فرد به حساب می‌آید و تعاملات والد فرزندی زمانی بهترین نتیجه را در پی خواهد داشت که بر مبنای صمیمت، حمایت، پذیرش و احساسات مثبت شکل گرفته باشد. در واقع بنا به نظریه راجرز نگرش‌های والدین از جمله پذیرش، همدلی، توجه، گرمی و صمیمت با فرزندان به طور مثبت و مستقیم عزت نفس فرزندان را در بزرگسالی تحت تاثیر قرار می‌دهد علاوه بر این مطابق با نظریه آینه خودنما که مهم‌ترین منابع شکل‌گیری عزت نفس را رفتار و واکنش دیگران نسبت به خود می‌داند می‌توان این چنین نتیجه گرفت که تعاملات والد فرزندی که به عنوان مهم‌ترین روابط در جریان رشد کودکان و نوجوانان شناخته می‌شود یکی از اصلی‌ترین عوامل پیش‌بینی کننده عزت نفس در نوجوانان می‌باشد. در حقیقت با توجه به اینکه عزت نفس یک شاخص مهم سازگاری روان‌شناختی و سلامت روان شناخته می‌شود و از طرفی مطابق با یافته پژوهش حاضر رابطه والد فرزندی تا حدودی می‌تواند پیش‌بینی کننده آن باشد بنابراین توجه بیشتر والدین به نوجوانان و داشتن روابط گرم و صمیمانه با آنها زمینه را برای شکل‌گیری عزت نفس مطلوب فراهم می‌آورد و پرورش نوجوانان در بافت‌های خانوادگی که روابط والد فرزندی در آن بر مبنای حمایت، احساسات و ارتباطات مثبت است موجب می‌شود نوجوانان با

برخورداری از عزت نفس بالا از گزند آسیب‌های اجتماعی در امان باشند و سلامت روان بالاتر و مشکلات رفتاری کمتری را نشان دهند.

از طرفی دیگر در پژوهش حاضر نکته ای که لازم است به آن اشاره نمود این می‌باشد که ضریب بتا بین ارتباط پدر-فرزند و عزت نفس ($p < 0/01$, $\beta = 0/522$) بیشتر از ضریب بتا بین ارتباط مادر-فرزند و عزت نفس ($p < 0/05$, $\beta = 0/153$) است. این یافته با پژوهش‌های ساکال و همکاران (۲۰۱۸)، فوسکو و همکاران (۲۰۱۲)، هافمن (۲۰۱۱)، مریکانگاس و همکاران (۲۰۱۰) همسو است.

نقش پدر در امر والدگری فقط به عنوان کسی که در فرآیند فرزندپروری و رشد کودک به مادرکمک می‌کند ختم نمی‌شود (ساکال و همکاران، ۲۰۱۸)، بلکه پدر به عنوان شخصی مقتدر در خانواده فرزندان خود را به کسب استقلال، خود مختاری و ریسک پذیری تشویق می‌کند و رفتار او اغلب به رفع مشکل کمک می‌کند در صورتی که مادر در خانواده تمایل بیشتری برای رفع آشفتگی فرزندان دارند (هافمن، ۲۰۱۱). علاوه بر این پدران علاقمند هستند تا فرزندان خود را به کسب تجارب جدید سوق دهند و از این طریق فرد کسب مهارت جدید را می‌آموزد و یاد می‌گیرد که مسئولیت اعمال خود را بر عهده بگیرد (قاسمی، ۱۳۹۱؛ به نقل از میرزایی کوتنایی، ۱۳۹۴). پژوهش‌های بسیاری نشان می‌دهند که نقش تعامل پدر-فرزند در کودکی اثر بیشتری بر سازگاری و سلامت روانشناختی فرزندان دارد (ساکال و همکاران، ۲۰۱۸؛ هافمن، ۲۰۱۱؛ فوسکو و همکاران، ۲۰۱۲؛ میرزایی کوتنایی، ۱۳۹۴)

با توجه به یافته‌ای که در فرضیه حاضر به دست آمد و با توجه به پژوهش‌هایی که به آن اشاره شد می‌توان این‌گونه تبیین نمود که رابطه عاطفی پدر-فرزند چون سپری در برابر تنش و اضطراب فرزندان در دوران نوجوانی عمل می‌کند. زمانی که پدر در خانواده حمایتگر، گرم و صمیمی باشد و محیط امنی را برای فرزندان خود مهیا سازد به شدت مادر و حتی بیشتر از او می‌تواند سبب سلامت روان، شکل‌گیری شخصیت سالم، افزایش عزت‌نفس و کاهش مشکلات روانی و رفتاری نوجوانان شود و از سویی دیگر کسب استقلال، احساس شایستگی در عمل، افزایش عزت نفس و دستیابی به تصور خود مثبت که نیازهای اساسی این دوران به ویژه نیازهای اساسی اواسط و اواخر نوجوانی به حساب می‌آید شاید به واسطه رابطه پدر فرزند بهتر بتواند ارضا شود چرا که مطابق پیشینه پژوهشی

پدران بیشتر نوجوانان خود را به سمت دستیابی به این نیازها هدایت می‌کنند. بنابراین می‌توان به این نتیجه دست یافت که در پژوهش حاضر رابطه پدر-فرزند بیشتر از رابطه مادر-فرزند می‌تواند عزت نفس را در نوجوانان پیش‌بینی کند. اما لازم به ذکر است این یافته با توجه به نمونه پژوهش حاضر که نوجوانان سنین ۱۵ تا ۱۸ سال شهرستان میبد بودند حاصل شد و این امکان وجود دارد که با پژوهش بر روی نمونه‌ها و فرهنگ‌های دیگر به دلیل شرایط محیطی، فرهنگی و اجتماعی مختلف نتایج متفاوت از نتایج یافته حاضر به دست آید از این رو لازم است پژوهش‌های بیشتری در این رابطه صورت گیرد تا بتوان به نتایج دقیق‌تری در مورد شدت تاثیر رابطه پدر-فرزند و مادر-فرزند و بررسی معناداری این اثرات در پیش‌بینی عزت نفس نوجوانان دست یافت.

یافته دیگر پژوهش نشان می‌دهد نیازهای بنیادین روان‌شناختی به صورت مثبت و معنادار عزت نفس را در نوجوانان پیش‌بینی می‌کند. این یافته با پژوهش‌های ریان و دسی (۲۰۱۷)، ساکال و همکاران (۲۰۱۸)، امت (۲۰۱۵)، دسی و ریان (۲۰۰۱)، حیدری (۱۳۹۸)، ساداتی فیروز آبادی و ملتفت (۱۳۹۶)، صالحی و همکاران (۱۳۹۲)، سپهریان آذر و همکاران (۱۳۹۲) همسو است.

همان گونه که در پژوهش دسی و ریان (۲۰۰۱)، که با هدف پیش‌بینی سلامت روان (براساس دو مولفه عزت نفس و اضطراب) از طریق حمایت از استقلال افراد با نقش میانجی نیازهای بنیادین روان‌شناختی انجام شد مشخص گردید، ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی سبب افزایش مولفه‌های روان‌شناختی از جمله عزت نفس و خودکارآمدی خواهد شد. همخوان با این یافته امت (۲۰۱۵)، در پژوهش خود نشان داد ارضای نیازهای خودمختاری و تعلق پیش‌بینی کننده قوی برای عزت نفس دانشجویان است در حالیکه ارضای نیاز شایستگی عزت-نفس شرکت‌کنندگان را در پژوهش وی پیش‌بینی نکرد، علاوه بر این عزت نفس آزمودنی‌ها به تحصیلات مادر، سطح درآمد والدین و چگونگی ادراک آنها از تعامل با والدین وابسته است در حالی که سطح تحصیلات پدر و جنسیت تاثیری بر عزت نفس آزمودنی‌ها نداشت.

از سویی دیگر در پژوهش حیدری (۱۳۹۸)، نشان داده شد حمایت از خودمختاری دانش‌آموزان که به معنای دادن حق انتخاب و تصمیم‌گیری به آنها در فرآیند یادگیری است، خودمختاری به عنوان یک نیاز اساسی روان‌شناختی موجب پیامدهای مثبتی چون تعامل بیشتر دانش‌آموزان در کلاس، مشارکت آنها در فعالیت‌های مدرسه، ایجاد علاقه و درک عمیق‌تر مطالب درسی می‌شود و

نتیجه ارضای نیاز خودمختاری در محیط‌های آموزشی افزایش انگیزه درونی، تلاش بیشتر دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی و ارتقا عزت نفس دانش‌آموزان می‌باشد، در مقابل اگر معلمان شیوه کتلی را در آموزش پیش بگیرند دانش‌آموزان علاقه کمتری به مطالب درسی نشان داده، احساس خودمختاری و شایستگی کمتری دارند و در نتیجه اضطراب بالاتری را تجربه خواهند کرد و در امتحانات عملکرد ضعیف‌تری خواهند داشت در نتیجه عزت نفس تحصیلی پایین‌تری را تجربه می‌کنند. در واقع در این پژوهش مشخص گردید که برای تجربه مداوم بهزیستی روانی در طول زندگی ارضای سه نیاز اساسی ضرورت دارد.

در پژوهشی دیگر که توسط ریان، استیلر و لینچ^۱ (۱۹۹۴)، صورت گرفت نشان داده شد دانش‌آموزانی که نسبت به والدین و معلمان خود احساس امنیت داشتند و در هنگام رویارویی با مشکل می‌توانستند از آنها کمک بگیرند بهتر از دیگران از پس شکست‌های علمی خود برآمده، در مدرسه رفتار مستقل‌تری داشتند و بیشتر درگیر یادگیری می‌شدند در نتیجه نسبت به خود احساس بهتری داشته و از عزت نفس بالاتری برخوردار بودند (دسی، ریان و ویلیامز^۲، ۱۹۹۶ به نقل از حیدری، ۱۳۹۸).

در راستای تبیین این یافته‌ها این چنین می‌توان اظهار نمود که در نظریه خودتعیین‌گری دسی و ریان نیز مشخص گردید، سه نیاز اساسی استقلال، شایستگی و ارتباط برای ساخت جنبه‌های مختلف شخصیت، رشد اجتماعی و سلامت روان ضروری هستند (ریان و دسی، ۲۰۱۷) از همین‌رو باتوجه به این نظریه، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی موجب خودکارآمدی، تسهیل در رشد و ارتقا سلامت روان افراد می‌شود و در صورتی‌که این نیازها نادیده گرفته شوند یا ارضا نشوند موجب پیامدهای منفی همچون رفتارهای نابهنجار و اختلال در سلامت روان خواهد شد (امت، ۲۰۱۵).

یافته پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مسیرکل نیازهای بنیادین روان‌شناختی نسبت به مسیر کل رابطه والد-فرزند پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای عزت نفس نوجوانان است در تبیین این یافته می‌توان گفت که سه نیاز اساسی خودمختاری، تعلق و شایستگی نیازهایی هستند که شاید بتوان آنها

^۱ - Ryan, Stiller & Lynch

^۲ - Deci, Ryan & Williams

را نیازهای ویژه دوران نوجوانی تعریف نمود چرا که در اکثر متون و کتب تخصصی مربوط به نوجوانان و دوران نوجوانی از این سه نیاز صحبت به میان آورده می‌شود و این نشان دهنده اهمیت این نیازها به ویژه در دوران نوجوانی است. در حقیقت اگرچه رابطه والد-فرزند یکی از اصلی‌ترین عوامل رشد و شکل‌دهی شخصیت فرد از همان ابتدای کودکی به حساب می‌آید اما به تدریج با بزرگتر شدن کودک و ورود او به مراحل بعدی زندگی، فرد به نیازهای روانی گسترده‌تری چون خودمختاری، شایستگی و تعلق برای شکل دادن شخصیت سالم و سلامت روان احتیاج دارد از طرفی دیگر ارضای این نیازها نه فقط از طریق والدین بلکه به واسطه دوستان، معلمان، همسالان، سایر اعضای خانواده و افرادی که به نوعی با فرد ارتباط نزدیک دارند نیز صورت می‌گیرد و ارضای بیشتر این نیازها دستیابی به سلامت روان را تسهیل می‌بخشد به عبارتی زمانی که نیازهای اساسی روان‌شناختی برآورده شده باشد فرد در پاسخ به خودارزیابی‌ها بهتر عمل می‌کند و عزت‌نفس بالاتری را از خود در جنبه‌های مختلف نشان می‌دهد. در یک تبیین کلی با استناد به پژوهش‌های پیشین و پژوهش حاضر می‌توان این‌گونه استدلال نمود که سه نیاز اساسی روان‌شناختی به هم وابسته‌اند و ارضای نیاز ارتباط و تعلق می‌تواند امنیت لازم را برای کسب خودمختاری و استقلال فراهم می‌آورد و خودمختاری در عمل موجب افزایش شایستگی و خودکارآمدی در افراد می‌شود و در نتیجه تجربه شایستگی در جنبه‌های مختلف زندگی زمینه را برای احساس پذیرش از سوی جامعه و خود ارزشمندی فراهم می‌کند. در واقع همان‌گونه که پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند و با توجه به یافته پژوهش حاضر، یکی از متغیرهای مهم در شکل‌دهی و رشد عزت نفس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی است. از طرفی دیگر براساس نظریه مزلو می‌توان این‌چنین استدلال نمود که خودشکوفایی و عملکرد بهینه افراد تابع ارضای نیازهای پایه و سطح پائین‌تر است (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳؛ ترجمه‌ی سید محمدی، ۱۳۹۳) بنابراین ارضای نیازهایی چون تعلق و ارتباط موجب ارضای نیازهای سطوح بالاتر مثل ارزش، احترام، عزت‌نفس و خودشکوفایی خواهد شد.

براساس یافته دیگر پژوهش، خودپنداره به‌صورت منفی و معنادار عزت‌نفس را در نوجوانان پیش‌بینی می‌کند لازم به ذکر است در این پژوهش نمرات بالا در خودپنداره بیانگر خودپنداره منفی و پائین می‌باشد بنابراین این یافته منطقی است.

این یافته با پژوهش‌های چن و همکاران (۲۰۲۱)؛ کاواموتو (۲۰۲۰)؛ مارش و همکاران (۲۰۰۶)؛ ربیعی نژاد و همکاران (۱۳۹۶)؛ رئیس‌ون و همکاران (۱۳۹۳)؛ شجاعی باغینی (۱۳۹۲) و یارمحمدیان (۱۳۸۵) همسو است.

مفهوم خودپنداره که در برگرنده توصیف فرد از خود یا برجسب‌هایی است که به خود می‌زند و این توصیفات به ظاهر فیزیکی، ویژگی‌های رفتاری، نگرش‌ها، هیجانات و عواطف فرد مرتبط می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۲۱) با عزت نفس ارتباط نزدیکی دارد (رئیس‌ون و همکاران، ۱۳۹۳). بعضی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که عزت نفس کودکان بر پایه خودپنداره آنان بنا می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۲۱؛ مارش و همکاران، ۲۰۰۶) از طرفی دیگر با توجه به نظریه راجرز که برای هر فرد دو خودپنداره در نظر می‌گیرد که شامل خودپنداره واقعی و آرمانی است و هر اندازه فاصله بین خودپنداره واقعی و خودپنداره آرمانی کمتر باشد فرد احساس رضایت بیشتری خواهد کرد (اتکینسون ۲۰۰۰، ترجمه براهنی و همکاران، ۱۳۹۳) در حقیقت برخی از پژوهش‌ها به این نتیجه دست یافتند که حاصل تعادل میان خود واقعی و خودآرمانی عزت نفس بالا است؛ درحالی‌که ضعف در عزت نفس نتیجه تفاوت بسیار میان خود واقعی و خود ایده‌آل است (مشکی و اشتریان، ۲۰۱۰؛ به نقل از نادری لردجانی و همکاران، ۱۳۹۸).

این یافته در پژوهش حاضر نیز به نوعی حاصل شد می‌توان این‌گونه اظهار داشت که فاصله کم یا زیاد بین خودپنداره واقعی و آرمانی یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند عزت نفس نوجوانان را پیش‌بینی کند. بنابراین خودپنداره به عنوان هسته شخصیت از اهمیت بالایی برخوردار است. در حقیقت خودپنداره رفتار، شناخت و عواطف افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد و می‌تواند میزان رضایت از زندگی، عزت نفس، یکپارچگی اجتماعی و موفقیت‌های فردی را پیش‌بینی کند (شجاعی باغینی، ۱۳۹۲).

در پژوهش شجاعی باغینی (۱۳۹۲)، که به بررسی رابطه خودپنداره و عزت نفس سازمانی کارکنان دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان پرداخته شد مشخص گردید که بین خودپنداره و عزت نفس سازمانی رابطه معنادار وجود دارد نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد یکی از عوامل موثر بر عزت نفس افراد خودپنداره آنها است.

از سویی دیگر ربیعی نژاد و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان دادند خودپنداره بر عزت نفس دانش‌آموزان اثر مستقیم و معناداری دارد در این پژوهش نشان داده شد که خودپنداره مثبت سبب عملکرد بهتر دانش‌آموزان در تکالیف مدرسه می‌شود و این تأثیر مثبتی بر عزت نفس آنها دارد.

یافته حاصل از این فرضیه با پژوهش کرامتی و پاینده‌فر (۱۳۹۵) که در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که بین خودپنداره بدنی و عزت نفس عمومی، خودپنداره بدنی و عزت-نفس خانوادگی، خودپنداره بدنی و عزت نفس اجتماعی و خودپنداره بدنی و عزت نفس تحصیلی در دانش‌آموزان دارای ناتوانی رابطه‌ای وجود ندارد، ناهمسو است در تبیین آن شاید بتوان به این موضوع اشاره نمود که آزمودنی‌های پژوهش آنها افراد با ناتوانی‌های ذهنی، حرکتی و جسمی بودند که این ویژگی شرکت‌کنندگان نتایج حاصل از تحقیق آنها را با تحقیقاتی که افراد عادی شرکت‌کننده آن هستند متمایز می‌کند.

یافته‌های حاصل از این فرضیه نشان می‌دهد خودپنداره، عزت نفس نوجوانان را به صورت منفی و معنادار پیش‌بینی می‌کند در توضیح آن باید به این مورد اشاره نمود، بنا به نظر راجرز هرچه فاصله خودپنداره آرمانی و خودپنداره واقعی بیشتر باشد فرد تصور منفی تری از خود دارد در نتیجه تصور منفی از صفات، توانایی‌ها، ظاهر و ویژگی‌های بدنی می‌تواند ارزیابی فرد از خود و عزت نفس نوجوانان را در جنبه‌های مختلف اجتماعی، خانوادگی، تحصیلی و عمومی تحت تأثیر قرار دهد. در پژوهش حاضر نمرات بالا در خودپنداره نمایانگر آن است که خودآرمانی و خودواقعی در فرد باهم فاصله زیادی دارند از این رو تصور منفی از خود با عزت نفس بالا رابطه معکوس دارد. در راستای پژوهش‌های پیشین و یافته پژوهش حاضر می‌توان اینگونه تبیین نمود که افراد با توجه به ادراکی که از موقعیت شخصی خود در ذهن دارند خود را به صورت مثبت یا منفی ارزیابی می‌کنند از این جهت کسی که خودپنداره مثبتی دارد احساس ارزشمندی بیشتری می‌کند و بالعکس فردی که ادراک منفی از خود دارد احساس خود ارزشمندی در او کمتر است.

نتایج حاصل از این پژوهش از نمونه پژوهشی ذکر شده، دانش‌آموزان دوره دوم دبیرستان-های شهرستان میبد حاصل شده است بنابراین تعمیم یافته‌های پژوهش به دانش‌آموزان

شهرهای دیگر و گروه‌های سنی متفاوت باید با احتیاط صورت گیرد، علاوه بر این برای دستیابی به استنباط قطعی لازم است این پژوهش در مدارس، گروه‌های سنی و نمونه‌های دیگر تکرار گردد تا بتوان درمورد یافته‌های پژوهش با اطمینان بیشتری نتیجه‌گیری نمود. اجرای پژوهش حاضر به صورت غیرآزمایشگاهی و مقطعی بود از این رو تکرار یافته‌های پژوهش از طریق مطالعات طولی ضرورتی اجتناب ناپذیر است، علاوه بر این برخلاف پژوهش‌های آزمایشگاهی که به محقق امکان کنترل بسیاری از متغیرها را می‌دهد در این پژوهش امکان کنترل موقعیت، میسر نبود و این امکان برقراری روابط علی- معلولی را دشوار می‌ساخت. در این پژوهش تنها از اطلاعات پرسشنامه‌ها که به صورت خودگزارش‌دهی بود استفاده گردید بنابراین در تحقیقات بعدی می‌توان به شیوه‌های دیگری مثل گزارش‌های والدین برای جمع-آوری داده‌ها استفاده نمود. به دلایل شرایط موجود و شیوع ویروس کرونا اجرای پرسشنامه‌ها به صورت آنلاین و نمونه‌گیری به شیوه غیرتصادفی صورت گرفت که این نیز یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش حاضر است.

منابع

- ۱) ابراهیمی ثانی، ابراهیم؛ ابراهیمی ثانی، نیما؛ ابراهیمی ثانی، نازنین. (۱۳۹۳). «تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی در افزایش عزت نفس و سلامت عمومی دانشجویان»، **فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی**، ۱، (۴)، ۷-۲۰.
- ۲) اعتصامی پور، راضیه؛ باقری، فریبرز؛ زارع بهرام‌آبادی، مهدی. (۱۳۹۹). رابطه میان الگوهای ارتباط والد-فرزند و مهارت‌های ارتباطی، با میانجیگری مدیریت هیجانی و عزت نفس: مدل یابی ساختاری. **تربیت اسلامی**، ۱۳۵، ۱۱۱، ۳۳.
- ۳) ایمانیان، مهدی. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های روابط بین فردی بر عزت نفس، خلاقیت و هوش هیجانی دانش آموزان پسر. **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه آزاد رودهن.
- ۴) حسین خانزاده، عباسعلی؛ میرزایی کوتنایی، فرشته. (۱۳۹۶). «نقش انسجام خانواده و تعامل والد-فرزند در تبیین حرمت خود دانش آموزان». **اندیشه های نوین تربیتی**، ۱۳(۱)، ۱۱۵-۱۳۶.
- ۵) دره التاج تهرانی، فرشته السادات. (۱۳۹۲). «کیفیت رابطه ولی _ فرزندی و ارتباط آن با سازگاری، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در نوجوانان دختر». **پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره**، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهراء.
- ۶) ساداتی فیروزآبادی، سمیه؛ ملتف، قوام. (۱۳۹۶). «نقش واسطه‌ای نیازهای روانشناختی پایه در ارتباط بین سبک‌های والدگری و سلامت روان دانش آموزان تیز هوش». **آموزش بهداشت و ارتقای سلامت**، ۵ (۳): ۲۰۳-۲۱۲.
- ۷) سادوک، بنجامین جیمز؛ سادوک، ویرجینیا؛ روئیز، پدرو؛ ترجمه رضاعی، فرزین. (۱۳۹۸). **خلاصه روانپزشکی کاپلان و سادوک: بر اساس DSM-5**، تهران: انتشارات ارجمند.
- ۸) سپهریان، فیروزه؛ امانی ساری بگلو، جواد؛ محمودی، حجت؛ کتابی، افسانه. (۱۳۹۲). «عزت نفس نوجوانان و سبک‌های فرزندپروری: نقش واسطه‌ای برآورده شدن نیازهای روانی اساسی»، **نشریه بین المللی علوم رفتاری**، ۷(۲)، ۱۵۱.
- ۹) سعدی پور، اسماعیل. (۱۳۹۰). **روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان**. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

۱۰) سلمانی، سلمان؛ علی نژادپان، موسی. (۱۳۹۸). «عزت نفس، حمایت اجتماعی درک شده، سرمایه اجتماعی و رفتار پرخطر در میان نوجوانان دبیرستانی». **فصلنامه جامعه‌شناسی فرهنگی**. ۱ (۲): ۶۲-۷۸

۱۱) شکرکن، حسین؛ نفیسی، غلامرضا؛ برادران رفیعی، علی محمد؛ ماهر، فرهاد. (۱۳۹۹). **مکتب-های روانشناسی و نقد آن**. تهران: سمت.

۱۲) شکری، آرزو. (۱۳۹۸). مدل یابی ساختاری قدرت ایگو با موفقیت شغلی و میانجیگری رضایت زناشویی و عزت نفس. **پایان نامه دکتری رشته مشاوره**، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات.

۱۳) صالحی، زلیخا. (۱۳۹۶). «مقایسه نیازهای بنیادین روانشناختی نوجوانان بزهکار و عادی»، **کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی**، کازرون.

۱۴) کاظمی، ناهید و قمری، محمد. (۱۴۰۰). «تاثیر آموزش ذهن‌آگاهی بر بلوغ عاطفی دختران در دوره بلوغ». **فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مشاوره**، ۴ (۱): ۱۶۵-۱۴۷.

۱۵) کرین، ویلیام؛ ترجمه خوی‌نژاد، غلامرضا؛ رجایی، علیرضا. (۱۳۹۴). **نظریه‌های رشد: مفاهیم و کاربردها**. تهران: انتشارات رشد.

۱۶) مهری‌نژاد، ابوالقاسم. (۱۳۹۸). **جامعه، خانواده و نوجوان**. تهران: انتشارات آوای نور.

۱۷) نوابی نژاد، ش. (۱۳۹۶). **ویژگی‌ها و شرایط لازم دختر و پسر برای ازدواج. جوان و تشکیل خانواده**. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

- 18) Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The “What” and “Why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination
- 19) Fosco, G. M., Stormshak, E. A., Dishion, T. J., & Winter, C. E. (2012). Family relationships and parental monitoring during middle school as predictors of early adolescent problem behavior. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 41(2), 202-213.
- 20) Lim, Y. (2020). Self-esteem as a mediator in the longitudinal relationship between dysfunctional parenting and peer attachment in early adolescence. *Children and Youth Services Review*, 116, 105224
- 21) Sadovnikova, T. (2016). Self-esteem and interpersonal relations in adolescence. *Procedia Soc Behav Sci*, 233, 440-444.
- 22) Sağkal, A. S., Özdemir, Y., & Koruklu, N. (2018). Direct and indirect effects of father-daughter relationship on adolescent girls' psychological

- outcomes: The role of basic psychological need satisfaction. *Journal of adolescence*, 68, 32-39.
- 23) Sawyer, Susan M., Azopardi, Peter S., Wickremarathne, Dakshitha, et al. (2018). The age of adolescence. *The Lancet Child & Adolescent Health*, vol. 2, no 3, p. 223-228.
- 24) Sun, R., Gao, Q., Xiang, Y., Chen, T., Liu, T., & Chen, Q. (2020). Parent-child relationships and mobile phone addiction tendency among Chinese adolescents: the mediating role of psychological needs satisfaction and the moderating role of peer relationships. *Children and Youth Services Review*, 105113.
- 25) Tahir, W. B. E., Inam, A., & Raana, T. (2015). Relationship between social support and self-esteem of adolescent girls. *IOSR Journal Of Humanities And Social Science (IOSR-JHSS)*, 20(2), 42-46.
- 26) Ümmet, D. (2015). Self esteem among college students: A study of satisfaction of basic psychological needs and some variables. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 174, 1623-1629.
- 27) Vansteenkiste, M., Ryan, R. M., & Soenens, B. (2020). Basic psychological need theory: Advancements, critical themes, and future directions.
- 28) Yaratani, H., & Yucesoylu, R. (2010). Self-esteem, self-concept, self-talk and significant others' statements in fifth grade students: Differences according to gender and school type. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 3506-3518.
- 29) Young, R. E. (2013). The influence of parent-child attachment relationships and self-esteem on adolescents' engagement in risky behaviors (Doctoral dissertation, Brandeis University).